



ارائه الگوی مناسب توسعه سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز ایران

ناصر قلی پور ■ مدیر برنامه ریزی تلفیقی شرکت ملی حفاری شرکت ملی حفاری ایران

مقدمه

به دلیل تجربه‌های تلخ تاریخی از مباحث سرمایه‌گذاری خارجی به طور عام و سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز به طور خاص، این مباحث به شکل‌هایی کاملاً متفاوت تعبیر و تأویل شده است. عده‌ای با اصل استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش مخالفت می‌کنند. برخی از حضور شرکت‌هایی با ملیت‌های خاص ابراز ناخشنودی کرده و بوی توطئه از آن استشمام می‌کنند. گروهی از شیوه قراردادهای منعقد ناراضی هستند و گمان می‌برند حاکمیت منابع ملی در اختیار بیگانه قرار خواهد گرفت که انتقاداتی از این دست فراوان یافت می‌شود. اما بررسی دیدگاه‌های مختلف حاکی از عدم کفایت اقدامات انجام شده برای شناساندن ابعاد حقوقی، فنی و مالی انواع قراردادهای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز دارد. در این پژوهش ابتدا نقاط قوت و ضعف انواع قراردادهای نفتی شامل: قراردادهای امتیازی، قراردادهای مشارکت در تولید، قراردادهای

مشارکت در سرمایه‌گذاری، قراردادهای بیع متقابل و سرمایه‌گذاری دولتی بیان و از دو منظر مالی (سرمایه‌گذاری) و حقوقی این قراردادها در صنعت نفت کشور با یکدیگر مقایسه شده‌اند. پس از آن با توجه به ادبیات موضوع پرسشنامه‌ای تهیه و توسط خبرگان این حوزه تکمیل شده است. سپس تحلیل آماری نتایج ارائه گردیده و در ادامه نتایج آنها بررسی شده است.

۱- اهداف تحقیق

تحقیق حاضر به منظور آشنایی با انواع قراردادهای مربوط به استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه صنعت نفت و گاز ایران و هم‌چنین انتخاب بهترین روش‌هایی که با قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران مغایرتی نداشته و در عین حال کمک به انتقال فن‌آوری‌های لازم به کشور انجام شده و به دنبال ارائه پاسخ به سؤالات زیر است:

الف) کدامیک از روش‌های سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز برای صنعت نفت ایران

مناسب‌تر است؟

ب) مزایا و معایب هر یک از روش‌های فوق کدامند؟

در همین راستا پیش از ورود به بحث، در ابتدا انواع قراردادهای نفتی از ابعاد مالکیت، عملیات و مدیریت، انتقال فن‌آوری نرم‌افزاری، تسهیم منابع، نظریه‌پذیری عملیات و خطرپذیری به طور اجمالی در جدول ۱- با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

۲- محدوده تحقیق

تحقیق حاضر یک پژوهش میدانی است؛ یعنی بر اساس جمع‌آوری آمار در فضای بیرونی و واقعی شکل گرفته است. این تحقیق به لحاظ زمانی مربوط به بهار و تابستان سال ۱۳۹۱، به لحاظ منطقه و وسعت مربوط به حوزه نفت و گاز کشور جمهوری اسلامی ایران و به لحاظ موضوعی، کاربردی است. جامعه آماری این تحقیق جمعیت وزرای سابق نفت، مدیران ارشد، میانی، عملیاتی و کارشناسان متخصص

صنعت نفت، هم‌چنین اساتید دانشگاه و برخی از نمایندگان کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی است.

۳- روش تحقیق

برای ارائه الگوی مناسب توسعه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران و تدوین راهبردهای مربوطه، در ابتدا پرسشنامه‌ای بر اساس سؤالات استخراج شده از مرور ادبیات تحقیق و با استفاده از منابع استاندارد تهیه گردید. روش تحقیق، تجزیه و تحلیل عاملی^۱ داده‌هاست که به بررسی هم‌بستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت

آنها را در قالب عوامل عمومی محدودی دسته‌بندی و تبیین می‌کند. اجرای تحلیل عاملی شامل چهار مرحله زیر است:

مرحله ۱- تولید ماتریس هم‌بستگی برای تمامی متغیرهای نمونه آماری

مرحله ۲- انتخاب مدل تحلیل

مرحله ۳- روش استخراج عاملها

مرحله ۴- چرخش عاملها

پس از توزیع پرسش‌نامه بین ۵۰ نفر از جامعه آماری مورد نظر و دریافت ۳۳ پاسخ، اطلاعات دریافتی با تعریف متغیرها در پایگاه داده‌های نرم افزار SPSS وارد شد و توصیف داده‌ها برای متغیرهای موجود در پرسش‌نامه و

بررسی متغیرهای موجود در پرسش‌نامه به علاوه منحنی میانگین و بخش نرمال آن به این صورت است که به منظور بیان پیوسته مراحل، در خصوص متغیر اول، سؤالات پرسش‌نامه، منحنی میانگین، بخش نرمال و تحلیل نتایج به طور کامل آمده اما در خصوص چهار متغیر بعدی صرفاً به بیان خروجی و تحلیل نتایج بسنده شده است.

۴- تحلیل یافته‌ها

مقایسه انواع قراردادهای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز

انواع قراردادهای نفتی (متغیرها)

تأمین مالی از منابع دولتی	بیع متقابل	مشارکت در سرمایه‌گذاری	مشارکت در تولید	امتیازی	
مالکیت دولت بر مخازن	حق مالکیت با کشور میزبان است	مالکیت کامل شرکت عامل بر بخشی از مخازن بسته به نسبت سرمایه‌گذاری	مالکیت شرکت عامل بر بخشی از مخازن	مالکیت کامل شرکت عامل بر مخازن	ساختار مالکیت
کنترل عملیات، و تولید توسط دولت انجام می‌گیرد	کنترل عملیات و تولید توسط دولت میزبان صورت می‌گیرد	از طریق یک کمیته مشترک صورت می‌گیرد	حاکمیت کامل شرکت عامل	حاکمیت کامل شرکت عامل	ساختار عملیات و مدیریت تولید
انتقال فن‌آوری میسر نیست	در قرارداد پیش‌بینی شده	سرعت آن وابسته به موافقت‌نامه عملیاتی است	به صورت بخشی و با گذشت زمان انجام می‌گیرد	انتقال فن‌آوری میسر نیست	ساختار انتقال فن‌آوری نرم‌افزاری
سود حاصل از تولید برای دولت است	پرداخت براساس درآمد حاصل از فروش محصول و مالیات هم وجود دارد	بخشی از تولید طبق قرارداد نصیب شرکت عامل می‌شود و مالیات هم وجود دارد	بخشی از تولید طبق قرارداد نصیب شرکت عامل می‌شود و مالیات هم وجود دارد	منافع کشور میزبان محدود و مالکیت است	ساختار و تسهیم منابع
سازمان دولتی	شرکت عامل	مشترک	مشترک	شرکت عامل	نظریه‌پردازی عملیات
متوجه دولت و بودجه بخش نفت و گاز است	وجود ندارد	متوجه سرمایه‌گذار است	متوجه سرمایه‌گذار است	شرکت عامل	ساختار خطرپذیری



۴-۱- تحلیل متغیر روش امتیازی

این متغیر شامل ۹ سؤال زیر است:

آیا بر اساس ساختار مالکیت، مالکیت می دانید؟

کامل شرکت عامل بر مخازن و تولید را در قراردادهای سرمایه گذاری نفتی مطلوب

می کنید؟

آیا بر اساس ساختار عملیات و مدیریت، حاکمیت شرکت عامل بر کلیه عملیات را تأیید

آیا بر اساس ساختار انتقال فن آوری نرم افزاری، عدم انتقال فن آوری را می پسندید؟
آیا بر اساس ساختار و تسهیم منابع، اینکه منافع کشور میزبان محدود به بهره مالکانه و مالیات باشد را مطلوب می دانید؟

آیا نظریه پذیري شرکت عامل در این گونه قراردادها را کافی می دانید؟

آیا ساختار خطرپذیری شرکت عامل را

بررسی پایایی پرسش نامه جدول ۳

نام متغیر	تعداد سؤال	آلفای کرونباخ	میانگین	انحراف معیار
روش امتیازی	۹	۰/۷۷۴	۶/۴۴۷۸	۰/۸۴۳
مشارکت در تولید	۱۱	۰/۷۵۳	۴/۶۴۷۴	۰/۶۳۴
مشارکت در سرمایه گذاری	۱۲	۰/۸۰۵	۳/۶۹۷۰	۰/۵۸۶
بیع متقابل	۱۱	۰/۷۲۵	۳/۴۱۳۲	۰/۹۷۲
تامین مالی از منابع دولتی	۹	۰/۸۱۵	۴/۸۳۸۴	۱/۳۲۵

ضریب هم بستگی متغیرها جدول ۳

		ratemethods	m.tolid	m.sarmayeh	b.moteghabel	t.mali
ratemethods	Pearson Correlation	1	-0.164	-0.501**	-0.517**	-0.382*
	Sig. (2-tailed) N	33	0.361 33	0.003 33	0.002 33	0.028 33
m.tolid	Pearson Correlation	-0.164	1	0.141	-0.064	-0.016
	Sig. (2-tailed) N	0.361 33	33	0.434 33	0.724 33	0.930 33
m.sarmayeh	Pearson Correlation	-0.501**	0.141	1	0.490**	0.317
	Sig. (2-tailed) N	0.003 33	0.434 33	33	0.004 33	0.072 33
b.moteghabel	Pearson Correlation	-5.17**	-0.064	0.490**	1	0.127
	Sig. (2-tailed) N	0.002 33	0.724 33	0.004 33	33	0.480 33
t.mali	Pearson Correlation	-3.82*	-0.016	0.317	0.127	1
	Sig. (2-tailed) N	0.028 33	0.930 33	0.072 33	0.480 33	33

* Correlation is significant at the 0.01 level (2 tailed).

Estimated Distribution Parameters جدول ۴

		ratemethods1	ratemethods2	ratemethods3	ratemethods4	ratemethods5
Normal Distribution	Location	7.0606	6.6970	7.9697	7.3636	6.2121
	Scale	2.31759	2.06889	2.06889	1.96561	1.72767
The cases are unweighted.						

مطلوب می‌دانید؟

آیا روش سرمایه‌گذاری مورد نظر هم‌اکنون نیز قابل پیاده‌سازی در صنعت نفت و گاز ایران است؟

آیا روش امتیازی را بر اساس قوانین فعلی ایران امکان‌پذیر می‌دانید؟

آیا برای روش امتیازی محدودیت قانونی وجود دارد؟

بخش نرمال متغیر اول در جداول ۴ و ۵ آمده است.

هم‌چنین منحنی میانگین در شکل ۱- آمده است.

شرکت‌کنندگان در نظرخواهی در مورد

سؤالات ۱-۲-۳-۴-۶-۷-۸ در خصوص قراردادهای امتیازی به ترتیب ۴/۴۲٪، ۴/۴۲٪،

۷/۷۲٪، ۵/۴۸٪، ۳/۲۷٪، ۴/۳۹٪ و ۷/۶۹٪

گزینه‌های کم و خیلی کم را انتخاب کرده‌اند

که عدم انتقال فن‌آوری، ساختار مدیریت

و عملیات، ساختار خطرپذیری و ساختار

مالکیت را نامطلوب می‌دانند و معتقد هستند

که این روش دیگر برای کشوری مثل ایران باید منسوخ شده فرض شود.

در مورد سؤال ۵ نیز ۵/۵۴٪ گزینه متوسط را

انتخاب کرده‌اند که در واقع نظرپذیری شرکت

عامل در روش امتیازی را کافی می‌دانند. در

مورد سؤال ۹ نیز ۵/۴۸٪ گزینه خیلی زیاد را

انتخاب کرده‌اند.

۴-۲- تحلیل متغیر مشارکت در تولید

این متغیر شامل ۱۱ سؤال زیر است:

آیا بر اساس ساختار مالکیت، مالکیت شرکت

عامل بر بخشی از مخازن و بخشی از تولید در

قراردادهای سرمایه‌گذاری نفتی را مطلوب

می‌دانید؟

آیا بر اساس ساختار عملیات و مدیریت،

حاکمیت شرکت عامل بر کلیه عملیات را

تأیید می‌کنید؟

آیا بر اساس ساختار انتقال فن‌آوری

نرم‌افزاری، انتقال به صورت بخشی و با گذشت زمان را می‌پسندید؟

آیا بر اساس ساختار و تسهیم منابع، اینکه بخشی از تولید طبق قرارداد نصیب شرکت

عامل شود و مالیات وجود داشته باشد را

مطلوب می‌دانید؟

آیا نظرپذیری مشترک در این گونه قراردادهای

را کافی می‌دانید؟

آیا ساختار خطرپذیری سرمایه‌گذار را

مطلوب می‌دانید؟

آیا روش سرمایه‌گذاری مورد نظر هم‌اکنون

نیز قابل پیاده‌سازی در صنعت نفت و گاز ایران

می‌باشد؟

آیا با توجه به ماهیت قراردادهای مشارکت

در تولید، قوانین ایران اجازه مالکیت شرکت

عامل را می‌دهد؟

آیا اعتبار مدت قرارداد مشارکت در تولید

را به میزان عمر مخزن با قوانین ایران منطبق

می‌دانید؟

آیا برای قرارداد مشارکت در تولید در

صورتی که قرارداد ناقل مالکیت مخزن باشد،

موانع قانونی وجود دارد؟

آیا با فرض امکان‌پذیر بودن انعقاد قرارداد

مشارکت در تولید، تعیین قانون حاکم بر

قرارداد و دادگاه صالح را ضروری می‌دانید؟

در پاسخ به سؤالات ۳-۴-۶-۷-۱۰-۱۱

در خصوص قراردادهای مشارکت در تولید،

شرکت‌کنندگان به ترتیب ۵/۵۱٪، ۴/۳۹٪،

۶/۶۰٪، ۴/۳۶٪، ۶/۶۳٪، ۸/۷۸٪ گزینه‌های زیاد

و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند که در این بین

تعدادی در پاسخ به سؤالات ۱-۲-۸-۹ به ترتیب

۵/۴۵٪، ۴/۳۶٪، ۵/۵۸٪ و ۵/۴۸٪ گزینه‌های کم

و خیلی کم را انتخاب کرده‌اند و حدود ۵/۴۵٪

نیز در پاسخ به سؤال ۵ گزینه متوسط را انتخاب

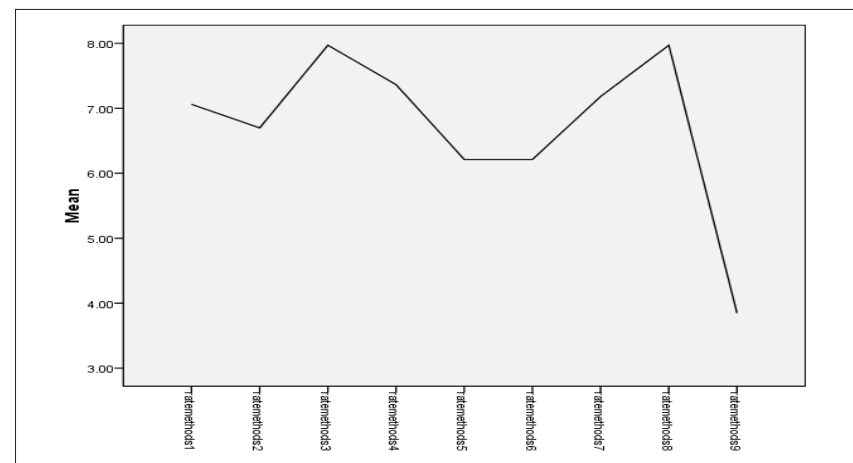
کرده‌اند. در این بین تعدادی از شرکت‌کنندگان

بیان کرده‌اند که در قراردادهای مشارکت در

تولید، مالکیت مخازن منتقل نمی‌شود بلکه آنچه

Estimated Distribution Parameters

		ratemethods6	ratemethods7	ratemethods8	ratemethods9
Normal Distribution	Location	6.2121	7.1818	7.9697	3.8485
	Scale	2.28798	1.95982	1.81116	3.42893
The cases are unweighted.					



شکل ۱ | میانگین روش امتیازی

منتقل می شود تولید است. تولید را می توان در هر نقطه ای منتقل کرد مثلاً در نقطه صادرات. با استناد به جزء ۳-بند ۳ ماده ۳-قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوبه ۱۳۹۱، انواع قراردادهای مشروط به اینکه متضمن انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخزن نباشد مجاز شمرده شده است. معنی عبارت فوق این است که چون قرارداد مشارکت در تولید متضمن مشارکت در نفت یا گاز تولیدی است نه نفت و گاز موجود در مخزن، نوعی از قرارداد مشارکت در تولید را مجاز نموده ولی تفسیر این عبارت و حکم قانونی در بستر سایر مواد قانونی و احکام مؤثر یا ناظر بر تعریف، این تجویز را با ابهام مواجه می کند که لازم است در این زمینه بیشتر تحقیق شود.

صرف نظر از اینکه کارگزاران این نوع قرارداد را مجاز بدانند یا خیر، اگر این نوع قرارداد با شرایط مطلوب، سهام نمودن شرکت عامل به روش غیر خطی و انگیزشی و لحاظ کردن شرایط مطلوب منعقد گردد، می تواند در مواردی برای میادین مشترک بسیار مطلوب و بهتر از قراردادهای خدماتی باشد. بعضی از شرکت کنندگان در نظرسنجی عنوان کرده اند که بسیاری از پروژه های بالادستی فقط از طریق این روش قابل اجرا خواهد بود و لذا می توان با تنظیم روند حقوقی درست و با حفظ مالکیت جمهوری اسلامی ایران بر مخزن و مشخص کردن بهره مالکانه و مالیات و حتی در نظر گرفتن پاداش تولید و زمان برداشت از مخازن، به ویژه در مناطق اکتشافی مثل کویر مرکزی ایران، دریای کاسپین یا میادین مشترک از این نوع قرارداد بهره جست. بعضی شرکت کنندگان نیز بیان کرده اند که با توجه به ابهام و ضعف قوانین موجود، در حال حاضر امکان استفاده از روش مذکور وجود ندارد.

۴-۳- تحلیل متغیر مشارکت در سرمایه گذاری

این متغیر شامل ۱۲ سؤال زیر است:
آیا بر اساس ساختار مالکیت، مالکیت شرکت عامل بر بخشی از مخازن و تولید بسته به نسبت سرمایه گذاری را در قراردادهای سرمایه گذاری نفتی مطلوب می دانید؟
آیا بر اساس ساختار عملیات و مدیریت، مدیریت یک کمیته مشترک را تأیید می کنید؟
آیا بر اساس ساختار انتقال فن آوری نرم افزاری، انتقالی که سرعت آن وابسته به موافقت نامه عملیاتی باشد را می پسندید؟
آیا بر اساس ساختار و تسهیم منابع، اینکه بخشی از تولید طبق قرارداد نصیب شرکت عامل شود و مالیات نیز وجود داشته باشد را مطلوب می دانید؟

آیا نظریذیری مشترک در این گونه قراردادها را کافی می دانید؟
آیا ساختار خطرپذیری سرمایه گذار را مطلوب می دانید؟
آیا روش سرمایه گذاری مورد نظر هم اکنون نیز قابل پیاده سازی در صنعت نفت و گاز ایران می باشد؟
آیا انعقاد قرارداد بر اساس روش مشارکت در سرمایه گذاری را با قوانین ایران سازگار می دانید؟
آیا تعیین قانون حاکم بر قرارداد و دادگاه صلاحیت دار برای حل و فصل اختلافات را ضروری می دانید؟
آیا ارجاع اختلاف به مرجع داوری را با قوانین ایران منطبق می دانید؟
آیا تعیین قانون و دادگاه ایران را برای رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای قرارداد در جهت منافع ملی می دانید؟
آیا حاکمیت قانون ایران در موارد اختلاف در صورتی که شرکت عامل با آن موافق نباشد را می پسندید؟
در پاسخ به سؤالات ۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱ در خصوص مشارکت در

سرمایه گذاری (به پرسش نامه مراجعه شود) صاحب نظران به ترتیب ۶/۶۰٪، ۴/۴۲٪، ۴/۴۲٪، ۴/۳۶٪، ۴/۴۲٪، ۵/۴۵٪، ۶/۵۷٪، ۳/۳۳٪، ۵/۴۸٪، هم چنین در پاسخ به سؤالات ۱ و ۲ به ترتیب ۴/۳۶٪ و ۳/۲۷٪، گزینه های خیلی کم و کم و در پاسخ به سؤال ۱۲ حدود ۳/۳۰٪ گزینه متوسط را انتخاب کرده اند که روش مشارکت در سرمایه گذاری تعیین کننده نوع قرارداد به یکی از انواع خدماتی، مشارکت در تولید (psa) و امتیازی نیست؛ یعنی مشارکت (JV) می تواند در قالب یکی از سه نوع قرارداد مذکور به عنوان شرکت عامل وجود داشته باشد..

۴-۴- تحلیل متغیر بیع متقابل

این متغیر شامل ۱۱ سؤال زیر است:
آیا بر اساس ساختار مالکیت، در اختیار داشتن حق مالکیت توسط کشور میزبان را در قراردادهای سرمایه گذاری نفتی را مطلوب می دانید؟
آیا بر اساس ساختار عملیات و مدیریت، اینکه کنترل عملیات و هزینه و تولید توسط دولت میزبان صورت گیرد را تأیید می کنید؟
آیا بر اساس ساختار انتقال فن آوری نرم افزاری، اینکه در قرارداد چه پیش بینی شده باشد را می پسندید؟
آیا بر اساس ساختار و تسهیم منابع، اینکه پرداخت بر اساس درآمد حاصل از فروش محصول بوده و مالیات هم وجود داشته باشد را مطلوب می دانید؟
آیا نظریذیری شرکت عامل در این گونه قراردادها را کافی می دانید؟
آیا ساختار فقدان خطرپذیری را مطلوب می دانید؟
آیا روش سرمایه گذاری مورد نظر هم اکنون نیز قابل پیاده سازی در صنعت نفت و گاز ایران می باشد؟

آیا تعیین قانون ایران و دادگاه ایران را به عنوان منبع و مرجع حل و فصل کننده اختلافات را ضروری می دانید؟
 آیا انعقاد قرارداد بیع متقابل را با قوانین ایران سازگار می دانید؟
 آیا تعیین مرجعی غیر از دادگاه ایران، برای حل و فصل اختلافات در صورتی که شرکت عامل با دادگاه‌ها و قوانین ایران موافق نباشد را با قوانین فعلی ایران را سازگار می دانید؟
 آیا امکان ارجاع به داوری برای حل و فصل اختلافات با توجه به منافع ملی ایران را امکان پذیر می دانید؟

در پاسخ به سؤالات ۱-۲-۳-۴-۷-۸-۹-۱۰-۱۲ در خصوص بیع متقابل (به پرسش نامه مراجعه شود) خبرگان به ترتیب ۶۶/۷٪، ۴۵/۵٪، ۴۲/۴٪، ۴۲/۴٪، ۵۴/۵٪، ۵۷/۶٪، ۴۲/۴٪، ۴۵/۵٪، ۴۵/۵٪ گزینیه‌های زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند. اما همین شرکت کنندگان در پاسخ به سؤالات ۵-۶-۱۱ به ترتیب ۴۸/۵٪، ۳۹/۴٪، ۵۷/۶٪ گزینیه متوسط را انتخاب کرده‌اند.

روش بیع متقابل به عنوان چارچوب جهان‌سومی و راه‌حل منطقه‌ای جای خود را باز کرده است. اما می‌توان همین روش را نیز به طریقی بهتر مدیریت کرد که تولید صیانتی انجام گردد. باید توجه داشته باشیم که اکثر شرکت‌های بزرگ بیشتر تمایل دارند در روش مشارکت در تولید سرمایه‌گذاری نمایند تا روش بیع متقابل. بعضی دیگر از شرکت کنندگان معتقد بودند که مشروط به اینکه برداشت صیانتی باشد، بیع متقابل بسیار مطلوب است. انتقال فن‌آوری، ایجاد اشتغال مولد و جدید، به کارگیری شرکت‌های داخلی و کمک به تولید کنندگان و سازندگان داخلی از دیگر ویژگی‌های این روش است.

۴-۵- تحلیل متغیر تامین مالی از منابع دولتی

این متغیر شامل ۹ سؤال زیر است:

آیا بر اساس ساختار مالکیت، مالکیت دولت مخازن و تولید را مطلوب می‌دانید؟
 آیا بر اساس ساختار عملیات و مدیریت، اینکه از طریق کنترل عملیات، هزینه و تولید توسط دولت انجام شود را تأیید می‌کنید؟
 آیا بر اساس ساختار انتقال فن‌آوری نرم‌افزاری، اینکه انتقال صرفاً محدود به توانایی فن‌آوری داخلی باشد را می‌پسندید؟

آیا بر اساس ساختار و تسهیم منابع، اینکه سود حاصل از تولید به دولت برسد را مطلوب می‌دانید؟

آیا نظریه‌پذیری سازمان دولتی در این گونه قراردادها را کافی می‌دانید؟

آیا ساختار خطرپذیری که متوجه دولت و بودجه صنعت نفت و گاز باشد را مطلوب می‌دانید؟

آیا روش سرمایه‌گذاری موردنظر هم‌اکنون نیز قابل پیاده‌سازی در صنعت نفت و گاز ایران می‌باشد؟

آیا روش تأمین مالی از منابع دولتی را فاقد هرگونه مشکل حقوقی (محدودیت قانونی) می‌دانید؟

آیا کنترل‌های حقوقی بر این روش را مطلوب می‌دانید؟

در پاسخ به سؤالات ۲-۳-۴-۵-۶-۷ در خصوص تأمین مالی از منابع دولتی (به پرسش‌نامه مراجعه شود) شرکت کنندگان به ترتیب ۵۷/۶٪، ۴۸/۵٪، ۴۸/۵٪، ۳۶/۴٪، ۲۴/۲٪، ۴۵/۵٪ گزینیه‌های کم و خیلی کم را انتخاب کرده‌اند. هم‌چنین در پاسخ به سؤالات ۸ و ۹ به ترتیب ۴۵/۵٪ و ۳۶/۴٪ گزینیه‌های زیاد و خیلی زیاد و در پاسخ به سؤال ۱۲ نیز حدود ۴۵/۵٪ گزینیه متوسط را انتخاب کرده‌اند.

گروهی معتقدند که استفاده از این روش به سیاست‌های کلان اقتصادی دولت بستگی دارد و روش فوق در نهایت به گسترش ساختار اقتصاد دولتی و تسلط کامل دولت بر اقتصاد

منجر می‌شود. گروهی دیگر نیز بر این باورند که این روش با توجه به محدودیت بودجه‌ای همیشه با مشکل مواجه بوده و تولید نفت و گاز با سرمایه دولتی، کارآمدی لازم را ندارد. ضمن اینکه انتقال فن‌آوری جدید نیز صورت نخواهد گرفت. عده‌ای دیگر عنوان می‌کنند که با توجه به توسعه کشور و حجم بسیار زیاد پروژه‌های نفت و گاز روش مذکور پاسخ‌گو نیست و با اکتفا به این روش توسعه مخازن عقب افتاده و کشور از نظر درآمدی با مشکل روبرو خواهد شد و در مجموع این روش، روش کارآمدی نیست.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از بررسی و تحلیل پنج نوع قرارداد فوق به این نتیجه می‌رسیم که برخی از این قراردادها مانند قرارداد امتیازی منسوخ شده، برخی مانند قرارداد تأمین مالی از منابع دولتی غیرکارا بوده و بعضی از آنها مانند روش مشارکت در تولید باید با توجه به شرایط و مقررات کشور ما اصلاح گردند. البته در شرایط تحریم، تأمین منابع توسط دولت و صندوق توسعه ملی برای پیمانکاران و سازندگان داخلی می‌تواند بخشی از نیازهای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز را مرتفع سازد.

کشورهای مختلف برای توسعه میادین نفت و گاز خود به ویژه در مناطق آب‌های عمیق از قراردادهای مشارکت در تولید و حتی قراردادهای انحصاری سودجسته‌اند تا بتوانند انگیزه لازم را برای سرمایه‌گذاری ایجاد نمایند. به طور مثال کشورهای همسایه ایران برای سرمایه‌گذاری و توسعه بخش نفت خود به قراردادهای مشارکت در تولید توجه خاص داشته‌اند. بر خلاف قوانین موجود، از دیدگاه نخبگان صنعت نفت صرفاً مالکیت قسمتی از نفت یا گاز تولیدی مربوط به شرکت‌های سرمایه‌گذاری است و مالکیت کل مخزن در



اختیار شرکت صاحب مخزن می‌باشد.

از دیدگاه سرمایه‌گذار قراردادهای مشارکت در تولید جذابیت دارد و به همین دلیل این روش مورد توجه سرمایه‌گذاران است؛ هر چند در نهایت منافع اقتصادی یک طرح در انتخاب یا رد آن اولویت نخست را خواهد داشت. با توجه به پیچیدگی‌های حوزه استخراج و هم‌چنین مناطق صعب‌الوصول آب‌های عمیق و مشکلات و چالش‌های نفت و گاز باید گفت شرکت‌های بین‌المللی نفتی که تجربه کار در آب‌های عمیق را دارند تنها به قراردادهای مشارکت در تولید علاقه نشان داده‌اند. لذا ضروری است وزارت نفت برای ایجاد جذابیت بیشتر برای شرکت‌های نفتی جهت حضور در پروژه‌هایی که ریسک زیادی داشته و نیازمند هزینه‌های سنگین و فن‌آوری نوین و پیشرفته هستند، توجه ویژه‌ای به قراردادهای مشارکت در تولید/سود داشته باشد و این نوع قراردادها را در حوزه نفت و گاز (به ویژه در دریای خزر و منطقه کویر مرکزی ایران که عملیات اکتشاف ریسک زیادی دارد) به کار بندد تا از این رهگذر بتوانیم امکان حضور فعال کشور را در این منطقه فراهم آوریم.

در صورت اعمال پیشنهادی زیر روش

مشارکت در تولید روش مناسبی به نظر می‌رسد:

■ برداشتن محدودیت‌های استفاده از قرارداد مشارکت در تولید بر مبنای قوانین نفت مصوب سال ۱۳۵۳ مجلس شورای ملی سابق و سال ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی

■ تصویب رژیم مالی جدید توسط مجلس شورای اسلامی جهت به کارگیری ابزارهایی چون پاداش امضاء قرارداد، بهره مالکانه مالیات بر درآمد که تابع قانون تجارت خواهد بود.

■ تعریف مالیات ویژه بر فعالیت‌های بالادستی مهم نفت هزینه‌ای و نفت منفعتی و غیره و تعیین نرخ و میزان هر یک از این موارد.

به منظور ایجاد انعطاف، باید محدوددهای برای هر یک از این موارد تعیین کرد یا به منظور جلوگیری از چانه‌زنی و طولانی شدن مذاکرات عوامل ثابتی در نظر گرفته شود.

متغیرهایی که تغییرات فوق بر حسب نوسان آنها اعمال می‌شود شامل حجم تولید، کیفیت نفت، نسبت گاز به نفت، نرخ بازده داخلی پروژه، قیمت نفت، عمق آب و نرخ بازیافت هستند. همه این متغیرها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. فاکتورهای مالی و منافع پروژه بر حسب میزان نوسان آنها قابل انعطاف تعریف خواهند بود. البته ضریب مشهور به فاکتور R

که می‌تواند مقادیر لغزنده را تعیین کند نیز قابل تعریف است.

روش بیع متقابل به عنوان چارچوب جهان‌سومی و راه‌حل منطقه‌ای جای خود را باز کرده که از ویژگی‌های بارز آن می‌توان به جذب سرمایه، ایجاد اشتغال مولد و جدید، به کارگیری شرکت‌های داخلی، کمک به تولیدکنندگان داخلی و انتقال فن‌آوری اشاره کرد که قانون‌گذار در این زمینه اختیارات قانونی را برای شرکت ملی نفت ایران فراهم کرده است.

اما در اجرا باید کمبودهای روش فوق تعدیل و اصلاح گردد. این کاستی‌ها عبارتند از:

■ انتقال فن‌آوری و به کارگیری عملی شرکت‌های داخلی که متأسفانه در بعضی از پروژه‌ها صورت نگرفته یا اقدامات بسیار کمی در این زمینه انجام شده است.

■ فراهم کردن فرصت برای سرمایه‌گذاران ایرانی در بیع متقابل

■ تقویت کادر مدیریت و فنی کارفرما برای کاهش ضعف بیع متقابل (اشکال ناشی از کارفرما)

■ انجام مطالعات مهندسی پایه کارفرما قبل از انعقاد قرارداد بیع متقابل

■ برداشتن صیانتی از مخازن مورد قرارداد

پانویس‌ها

¹Factor Analysis

منابع

- [۱] جمالی، احمد، (۱۳۸۲)، طراحی و تبیین مدل تصمیم‌گیری فازی برای انتخاب شیوه مناسب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت، رساله برای دریافت درجه دکتری، دانشگاه تهران.
- [۲] ربیعی، فرانک، (۱۳۸۱)، حقوق قراردادها، تهران: بهنامی.
- [۳] رحیمیان، نظام‌الدین، (۱۳۸۱)، «تأمین منابع مالی در واحدهای اقتصادی» مجله حسابدار، شماره ۱۴۶، اسفند ۱۳۸۰، صفحات ۲۸-۳۸.
- [۴] عزیزی، مجتبی، (۱۳۸۸)، بررسی چهارچوب مدیریت فرایند انتقال
- فن‌آوری در پروژه‌های نفتی کشور، رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- [۵] یسکومب، ادوارد، (۱۳۸۷)، اصول تأمین مالی طرح‌ها، ترجمه طهماسب مظاهری و امیر حسین توکلی، تهران: شرکت سهامی بیمه البرز.
- [1] Dr.Christain Ule & Dr.Alexander Brexendorff, (2005); «IRAN Investing in the Oil & Gas Industry», from a Business and Legal perspective. (www.mena – legal. com)